



حجة الاسلام والمسلمین
موسوی تبریزی

قوانین کیفر در اسلام

احکام محارب

در مقالات گذشته معنای لغوی و فقهی محارب و کیفرهای مربوط به آن و کیفیت اجرای حدود در باره محارب را بیان کردیم. لکن مطالبی در این رابطه است که ضمن سائلی در این مقاله و مقالات آینده بیان خواهیم کرد:

مسئله ۱ - آنچه که در رابطه با کیفر - های محارب گفته شد، مربوط به جزای عمومی محارب است یعنی شارع مقدس اسلام محارب را بعنوان یک مجرم شخصی که در رابطه با شخص خاص و یا گروه خاص جنایت می کند نمی داند بلکه جرم محارب را، جنایت و خیانت به جامعه و در رابطه با جامعه می داند و لذا گفتیم اگرچه گاهی محارب برای تهدید یا ترور یک فرد و یا به غارت بردن اموال یک نفر سلاح می کشد لکن پروردگار متعال - طبق آیه شریفه - همین شخص را هم محارب باخود و رسول

خود می داند و از چنین اشخاصی بعنوان "محاربون الله و رسوله" تعبیر می کند و علت این مطلب با دقت مختصر در مسائل اجتماعی روشن خواهد شد. مثلاً یک شخص سارق مسلح که در جاده عمومی و محل عبور و مرور مردم قرار می گیرد ولو باینکه از مردم درگیر می شود و یا با اعمال زور و ارباب، اموال او را می برد، اگرچه در ظاهر امر یک نفر را آزار رسانده است لکن مهمترین مسئله اجتماعی یعنی امنیت را در جامعه بخطر انداخته است و امنیت عمومی را از جامعه سلب کرده و راحتی و آزادی را از همه مردم گرفته است. به همین جهت تهدید یک نفر، تهدید برای عموم مردم و حکومت و دولت محسوب می شود و با توجه به اینکه بر دولت اسلامی لازم است که امنیت را در جامعه برقرار کند و امنیت جاده های مواصلاتی و تجارتی و ارتباطات مردم و همچنین مال و جان مردم را تامین نماید

باید با تمام قدرت با دشمنان امنیت و اخلاکگران و کسانی که سلب آسایش مردم بهر نحوی می کنند مبارزه کند و یکی از طرق مبارزه، مواجهه قاطع قضائی با آنهاست لذا شارع مقدس اسلام برای محارب کیفر - های سنگین و قاطع در نظر گرفته است. و حکومت اسلامی بنیابندگی از مردم طبق دستورات اسلام اینگونه افراد را مجازات و کیفر می کند اگرچه اولیا، مقتول در صورتیکه شخص را بکشد و یا صاحبان مال در صورتیکه اموال کسی را بچپاول ببرد رضایت دهند و از حق خود انقضای او را عفو کنند. و بالاخره برای محارب دو گونه کیفر متصور است: ۱ - عمومی، ۲ - شخصی. عمومی مربوط به حکام محترم شرع است که طبق دستور قرآن مخیر هستند یکی از کیفرهای چهارگانه را در باره محارب جاری سازند و اما خصوصی، مربوط به شخص متضرر اعم از ضرر مالی و یا جان و با اولیا اوست.

مرحوم محقق در شرایع می فرماید:

"اذا قتل المحارب غيره طلبا للمال تحتم قتله قوداً ان كان المقتول كفواً و مع عفو الولي حد سواً كان المقتول كفواً او لم يكن و لو قتل لا طلباً للمال كان كقاتل العمد امرة الى الولي اما لو جرح طلباً للمال كان القصاص الى الولي و لا يتحتم الاقتصار في الجرح بتقدير ان يعفو الولي على الاظهر".

یعنی اگر محارب دیگری را بخاطر گرفتن مال او بکشد اگر با مقتول کفو باشد او را از باب قصاص می کشند و اگر ولی دم و اولیا مقتول عفو کنند و از حق شخصی خود بگذرند حد الهی در باره او جاری می شود و در این صورت فرقی نمی کند که او با مقتول کفو باشد یا نباشد، اما اگر بخاطر گرفتن مال، او را نکشد مجازات او مربوط به اولیا دم است اگر خواستند قصاص می کنند و اگر خواستند عفو می کنند. و اگر بخاطر گرفتن مال کسی او را مجروح کند قصاص عوض جراحات بعهدده ولی است لکن اگر ولی عفو کند لزومی ندارد حاکم شرع قصاص کند.

در توضیح کلام مرحوم محقق چند نکته را باید توجه کنیم:

۱- اگر کسی در درگیری شخصی و یا نزاع دسته جمعی که بعنوانین و اغراض شخصی و یا گروهی دیگری را بکشد نه برای گرفتن مال و نه بخاطر سلب امنیت مردم و نه بخاطر مبارزه با دولت اسلامی، او محارب محسوب نمی شود بلکه صرفاً یک قتل شخصی است و اولیا مقتول اگر خواستند قصاص می کنند و اگر نخواستند با عوض و بابدون عوض عفو می کنند و اما اگر قتل و آدم کشی بجهت گرفتن اموال مردم و سلب آسایش و امنیت آنان و یا مبارزه با دولت اسلامی

باشد علاوه بر قصاص که اولیا مقتول می توانند انجام دهند، حاکم شرع و دولت اسلامی باید او را مجازات کند و اگر اولیا دم عفو کنند باز حاکم شرع می تواند بعنوان محارب او را اعدام نماید و یا کیفرهای دیگر محارب را در باره او جاری کند.

۲- در قتل شخصی اگر اولیا بخواهند قصاص کنند بشرطی می توانند، که قاتل با مقتول کفو باشد و اگر کفو نباشد نمی توانند قصاص کنند لکن حاکم شرع بعنوان محارب قاتل را اگر محارب بودن او ثابت شد می تواند اعدام نماید اگرچه با مقتول کفو نباشد. (مرد با مرد - و شخص آزاد با آزاد و زن با زن کفو است و اگر مرد زنی را بکشد او را بخاطر زن قصاص می کنند اگر نصف دیه مرد را اولیا زن به اولیا مرد پرداخت نمایند و اگر پرداخت نکنند حق قصاص ندارند).

در این زمینه امام امت در تحریر الوسیله می فرماید:

مسئله ۶- "ما ذکرنا فی المسألة السابقة حد المحارب سواً قتل شخصاً اولاً و سواً رفع ولی الدم امرة الى الحاكم اولاً، نعم مع الرفع یقتل قصاصاً مع کون المقتول کفواً و مع عفو الحاكم مختاراً بین الامور الاربعة سواً کان قتله طلباً للمال او لا و کذا لو جرح و لم یقتل کان القصاص الى الولي فلو اقتصر کان الحاكم مختاراً بین الامور المتقدمة حدّاً و کذا لو عفا عنه".

یعنی آنچه درباره حکم محارب گفته شد در رابطه با حد محارب است خواه کسی را بکشد یا نکشد و خواه ولی مقتول به حاکم شکایت بکند یا نکند، اگر ولی یا اولیا مقتول پیش حاکم شرع شکایت کنند و مقتول با قاتل کفو باشد او را بعنوان قصاص می کشند و اگر در این صورت اولیا مقتول او را مورد عفو قرار دهند حاکم شرع مخیر است میان چهار کیفری که سابقاً گفته شد، خواه بخاطر گرفتن پول و ثروت مقتول او را کشته باشد و یا برای اغراض دیگر و همچنین

اگر مجروح سازد و لکن نکشد بمقدار جراحات قصاص کردن حق مجروح است و اگر او قصاص کرد حق شخصی او تمام شد لکن حاکم او را بعنوان محارب محاکمه و به یکی از کیفرهای چهارگانه محکوم می نماید، و همینطور است اگر عفو کند.

و خبر اول باب (۱) از ابواب حد - المحارب ج ۱۸ ص ۵۳۲ وسائل الشیعه که صحیحه محمد بن مسلم است و در مقاله گذشته عیناً با ترجمه آن نقل شد به مطلب فوق صریحاً دلالت می کند.

(بشماره ۲۳ پاسدار اسلام مراجعه شود) علما و دانشمندان اهل تسنن نیز در رابطه با این مسئله مانند علمای شیعه بیشترشان فتوی داده اند و کسانی که خلاف آن فتوی داده اند در اقلیت هستند.

قرطبی یکی از علمای بزرگ اهل تسنن در کتاب "الجامع لآخکام القرآن" در تفسیر آیه شریفه: "انما جزاء الذین یحاربون الله... در ضمن احکامی می گوید: "السابعة - و لا خلاف فی ان الحرابة یقتل فیها من قتل و ان لم یکن المقتول مکافئاً للقاتل و للشافعی قولان: احدهما - انها تعتبر المكافاة لانه قتل فاعتبر فيه المكافاة كالقصاص و هذا ضعيف لأن القتل هنا ليس على مجرد القتل وانما هو على الفساد العام من التخويف و سلب المال قال الله تعالى: "انما جزاء الذین یحاربون الله... فامر تعالی باقامة الحدود على المحارب اذا جمع شیئين محاربة و سعياً فی الارض بالفساد و لم یخص شریفاً من وضع و لا رفیعاً من دنی".

(جلد ۶ صفحه ۱۵۴)

یعنی: در میان علما و فقهای اهل تسنن خلافتی نیست که در محاربه، کسی که آدم بکشد او را می کشند اگر چه مقتول با او کفو نباشد، البته شافعی (یکی از ائمهاربعه اهل تسنن) در این مسئله دو قول دارد یکی اینکه در محاربه نیز در قتل، کفو بودن لازم است مانند قصاص، لکن این قول ضعیف است برای اینکه در محاربه، قتل

برای صرف قتل نیست بلکه برای فساد اجتماعی است که در جامعه ایجاد کرده است مانند ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت اجتماعی و گرفتن مال مردم .

سپس به آیه شریفه استدلال کرده است که خداوند امر فرموده است کسی که دزای دو صفت باشد حدود مذکور جاری است :
۱- کوشش در فساد در روی زمین .

۲- محاربه با خدا و رسول (ص) . و در مسئله یازدهم می گوید :

"اجمع اهل العلم علی ان السلطان ولی من حارب فان قتل محارب اذا امری او اباه فی حال المحاربة فلیس الی طالب الدم من امر المحارب شیئ" و لایجوز عفو ولی الدم والقائم بذلک الامام . جعلوا ذلک بمنزلة حد من حدود الله تعالی ."

یعنی علمای اسلام اجماع دارند بر این مطلب که حاکم مسلمین ولی اجرای حدود بر محارب است و اگر محارب پدر یا برادر کسی را بکشد ، ولی دم نمی تواند بطور کلی او را مورد عفو قرار دهد و حقیقی در رابطه با حد محارب ندارد و تنها امام

مسلمین است که برای حدود باید قیام کند و حد محارب نیز از حدود الهی است .

لذا اگر محارب قبل از دستگیری و گرفتار شدن در دست حاکم مسلمین ، توبه کند و سپس او را بگیرند و یا خودش را تسلیم کند ، کیفرهایی که مربوط به حد محارب است ، از او ساقط می شود ، طبق آیه شریفه که می فرماید :

"إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدَرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ"
(آیه ۳۴ سوره مائده)

یعنی مگر کسانی که توبه کنند قبل از دسترسی بآنان ، و بدانید که خداوند بخشنده و مهربان است .

لکن حقوق شخصی مردم اگر بوسیله وی تضییع شده است ساقط نمی شود . اگر شخصی را کشته و یا مجروح کرده و اولیاء دم و یا شخص مجروح او را مورد عفو قرار ندادند باید قصاص بشود و اگر مال کسی را برده و یا خراب کرده و یا آتش زده و هر ضرری زده است باید جبران خسارت بنماید و اگر عین مال باقی است باید عینا باز

گرداند و با توبه ، حقوق الناس ساقط نمی شود .

امام است در تحریر الوسیله می فرماید : مسئله ۷ - " لو تاب المحارب قبل - القدره علیه سقط الحد دون حقوق الناس من القتل والجرح والمال ولو تاب بعد - النظر علیه لم يسقط الحد ایضا " .

یعنی اگر محارب قبل از دستگیری توبه کند حد محارب از او ساقط می شود اما حق الناس اعم از قتل و جرح و مال ساقط نمی شود و اگر پس از دستگیری توبه کند حد نیز از او ساقط نیست . یعنی توبه پس از دستگیری ارزش دنیوی ندارد و حد الهی در باره اش اجرا می شود اگرچه در آخرت توبه او مفید خواهد بود .

ادامه دارد



لبنان ، گورستان آمریکا خواهد شد

عالمین تا علوم (به زعم آنها) وامی دارد .
ناگفته نماند گروهی که مسئولیت این عمل - که منجر به کشته شدن حدود ۲۳۰ نفر از نظامیان آمریکا شد - را به عهده گرفت جهاد اسلامی نام دارد که قبلا نیز مسئولیت حادثه انفجار سفارت آمریکا در بیروت را به عهده گرفته بود .

در رابطه با این حادثه دو نکته قابل توجه است :

۱- قریبه زمانی این حادثه با جنایت اسفبار صدام صهیونیست در مسجد سلیمان و سپس آن که با توجه به اظهارات ریگان و مقامات آمریکائی ، در صدد گرفتن انتقام از عوامل انفجار چنین نشان می دهد که گویا آمریکا دشمن اصلی خود را ، مردم کوچه و بازار شهرهای بی دفاع ما و مقلدین امام می داند و از هر انگیزه ای برای فشار بر ملت بی غاشته ایران و جمهوری اسلامی استفاده

بعد از انفجار مقر تفنگداران آمریکائی و فرانسوی در بیروت و مقر سرویس جاسوسی صهیونیستها و فرمانداری نظامی آنها در شهر صور لبنان . آمریکا مباردت به اعزام ۳۰ کشتی جنگی و ۲۰۰ هواپیما در سواحل لبنان - خاصه در نزدیکی بیروت - نمود . بوش " که پس از انفجار بیروت ، به ماوریت از طرف کاخ سفید مازم بیروت شد ، اعلام کرد که آمریکا دارای منافع حیاتی در لبنان بوده و اگر نیروهای کشورش (آمریکا) از بیروت خارج شوند ، اوضاع بدتر از وضع کنونی خواهد شد .

حزبیکه که منجر به کشته شدن بیست و دو تن از تفنگداران آمریکائی شد ، آنچنان عظیم بود که مقامات کاخ سفید را به شدت تریس عکس العمل واداشت ، و گفته می شود ؛ این بزرگترین تلفاتی است که از زمان جنگ ویتنام بر نیروهای نظامی آمریکا وارد میشود . و با کمال دلت "ریگان" را به تهدیدی کوراز

نموده تا ما را از گرفتن حق خود باز دارد و به خیال خام خود ، تسلیم نماید .
۲- کاخ سفید و دستگاههای خبر پراکنی آمریکا ، تمام تلاش خود را بر این گذاشته که در این حادثه ، آمریکائی شکست خورده میدان را ترک نکند و همچنین سابقه شکستدهای مانند جریان لانه جاسوسی که عامل اصلی شکست کارتر در انتخابات قبلی بود ، برای ریگان بوجود نیاید و چنین تصور می رود که بالا بردن موج بحران در آمریکائی لاتین و اعزام ناوها و تفنگداران جدید به منظور خاموش کردن و فرونشاندن افکار عمومی و انحراف افکار از این حادثه بود . به نظر می رسد لبنان ، گورستان آمریکائی ها و همه نیروهای لیبرالیستی و متجاوز خواهد شد ، و لبنان قهرمان و رزم بی امان مسلمین و مستضعفین در لبنان سابقه همچون ویتنام را در تاریخ تجاوزات آمریکا به وجود خواهد آورد .